

(۱) اَلرُّكْبُ : زَائِدَةٌ

ترجمه: کاروان شتر یا اسب سواران = اضافی است

(۲) اَلْكَرَامَةُ : شَرَفٌ وَ عِظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ .

ترجمه: کرامت: شرافت و بزرگی و عزت نفس .

(۳) اَلْوَكْرُ : بَيْتُ الطَّيْرِ .

ترجمه: لانه: خانه پرندگان

(۴) اَلْهَجْرُ : اِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ اَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ .

ترجمه: جدایی = دور شدن دوست از دوست خود یا شوهر از همسرش (مرد از زنش) .

(۵) اَلسَّوَارُ : زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ اَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ .

ترجمه: دستبند: زینتی از طلا یا نقره در دست زن .

۱۰ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : تَرْجِمِ الْاِحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ .

۱- مَنْ قَالَ اَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه: هر کس بگوید من دانا (دانشمند) هستم او نادان است .

پاسخ: اسم فاعل: عالم، جاهل

۲- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه: بزرگ (سرور) گروه خدمتگزارشان در سفر است .

پاسخ: جار و مجرور: فِي السَّفَرِ

۳- عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنَ اَلْفِ عَابِدٍ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه: دانایی (دانشمندی) که از علم او بهره برده می شود، بهتر از هزار عابد (عبادت کننده) است .

پاسخ: فعل مجهول: يَنْتَفِعُ / مضاف اليه: ه، عابد .

۴- اَلْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ ، وَ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوْءِ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه: هم نشین خوب بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم نشین بد است .

پاسخ: مبتدا: اَلْجَلِيسُ ، الْوَحْدَةُ / خبر: خَيْرٌ .

۵- كَاتِمُ الْعِلْمِ ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثِ فِي الْبَحْرِ ، وَ الطَّيْرِ فِي السَّمَاءِ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه: پنهان کننده دانش ، هر چیزی حتی نهنگ (ماهی) در دریا و پرنده در آسمان او را لعن (نفرین) می کند .

پاسخ: اسم فاعل: كَاتِمٌ / جار و مجرور: فِي الْبَحْرِ ، فِي السَّمَاءِ .

۱۰ التَّمْرِينُ السَّادِسُ : تَرْجِمِ اَلْيَةَ وَ الْاِحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ .

۱- ﴿ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ الْغَيْبَ اِلَّا اللهُ ﴾ اَلنَّمْلُ : ۶۵

ترجمه: کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از غیب آگاه نیستند مگر خداوند .

پاسخ: مَنْ : فاعل / الْغَيْبُ : مفعول .

۲- ﴿ يَضْرِبُ اللهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾ اَلنُّورُ : ۳۵

ترجمه: خداوند برای مردم مثل ها می زند .

پاسخ: اللهُ : فاعل / الْاَمْثَالَ : مفعول .

۳- ﴿ وَ لَا يُظْلَمُ رَيْبًا اَحَدًا ﴾ اَلْكَهْفُ : ۴۹

ترجمه: پروردگارت به کسی (احدی) ستم نمی کند .

پاسخ: اللهُ : رَبٌّ / اَحَدًا : مفعول .

۴- اَلسَّكُوْتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه: سکوت طلا است و سخن گفتن نقره .

پاسخ: ذَهَبٌ : خبر / الْكَلَامُ : مبتدا .

(۶) اَلْمَلِيحُ : هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيْلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيْلٌ .

ترجمه: باهنگ: او کسی است که حرکات و سخنان زیبایی دارد .

تهیه کننده:

استاد محمد باقر بهر روزی

١) الرُّكْبُ : زَائِدَةٌ

ترجمه : کاروان شتر یا اسب سواران = اضافی است

٢) الكِرَامَةُ : شَرَفٌ وَ عِظْمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ .

ترجمه : کرامت : شرافت و بزرگی و عزت نفس .

٣) الْوَكْرُ : بَيْتُ الطَّيْرِ .

ترجمه : لانه : خانه پرندگان

٤) الْهَجْرُ : اِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ .

ترجمه : جدایی = دور شدن دوست از دوست خود یا شوهر از همسرش (مرد از زنش) .

٥) السَّوَارُ : زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْبِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ .

ترجمه : دستبند : زینتی از طلا یا نقره در دست زن .

٦) التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ .

١- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : هر کس بگوید من دانا (دانشمند) هستم او نادان است .

پاسخ : اسم فاعل : عالم ، جاهل

٢- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : بزرگ (سرور) گروه خدمتگزارشان در سفر است .

پاسخ : جار و مجرور : فِي السَّفَرِ

٣- عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنَ الْفَاعِلِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : دانایی (دانشمندی) که از علم او بهره برده می شود ، بهتر از هزار عابد (عبادت کننده) است .

پاسخ : فعل مجهول / مضاف الیه : ه ، عابد .

٤- اَلْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ ، وَ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوْءِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : هم نشین خوب بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم نشین بد است .

پاسخ : مبتدا : اَلْجَلِيسُ ، الْوَحْدَةُ / خَيْرٌ : خَيْرٌ .

٥- كَاتِمُ الْعِلْمِ ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثِ فِي الْبَحْرِ ، وَ الطَّيْرِ فِي السَّمَاءِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : پنهان کننده دانش ، هر چیزی حتی نهنگ (ماهی) در دریا و پرنده در آسمان او را لعن (نفرین) می کند .

پاسخ : اسم فاعل : كَاتِمٌ / جار و مجرور : فِي الْبَحْرِ ، فِي السَّمَاءِ .

٦) التَّمْرِينُ السَّادِسُ : تَرْجِمِ آيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ .

١- ﴿ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ﴾ اَلنَّمْلُ : ٦٥

ترجمه : کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از غیب آگاه نیستند مگر خداوند .

پاسخ : مَنْ : فاعل / الْغَيْبُ : مفعول .

٢- ﴿ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾ اَلنُّورُ : ٣٥

ترجمه : خداوند برای مردم مثل ها می زند .

پاسخ : اللَّهُ : فاعل / الْأَمْثَالَ : مفعول .

٣- ﴿ وَ لَا يظَلِمُ رَبِّيكَ أَحَدًا ﴾ اَلْكَهْفُ : ٤٩

ترجمه : پروردگارت به کسی (احدی) ستم نمی کند .

پاسخ : اللَّهُ : رَبٌّ / أَحَدًا : مفعول .

٤- اَلسَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ قِصَّةٌ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : سکوت طلا است و سخن گفتن نقره .

پاسخ : ذَهَبٌ : خبر / الْكَلَامُ : مبتدا .

٦) اَلْمَلِيحُ : هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ .

ترجمه : باهمک : او کسی است که حرکات و سخنان زیبایی دارد .

تهیه کننده:

استاد محمد باقر بهر روزی

٥- اَلْكَتَبُ بِسَاتَيْنِ الْعُلَمَاءِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : کتاب ها باغ های دانشمندان هستند .

پاسخ : بِسَاتَيْنِ : خبر / الْعُلَمَاءُ : مضاف الیه .

٦- هَمْرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : نتیجه و میوه عقل مدارا کردن با مردم است .

پاسخ : الْعَقْلُ : مضاف الیه / النَّاسِ : مضاف الیه .

٧- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : زکات دانش ترویج (انتشار) آن است .

پاسخ : زَكَاةُ : مبتدا / نَشْرٌ : خبر .

تهیه کننده:
استاد محمد باقر بهروزی

﴿ كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ .

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴾

ترجمه: و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت ، و هنگامی که می بخشایند.

پاسخ: دوری می کنند / عصبانی شدند .

۲- ﴿ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ﴾

ترجمه: و کسانی که [خواسته] را برآوردند و برپا داشتند؛

پاسخ: پروردگارشان / نماز

۳- ﴿ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ﴾

ترجمه: و در میان آنها مشورت هست؛

پاسخ: کارشان

۴- ﴿ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴾

ترجمه: و از آنچه به روزی دادیم انفاق می کنند.

پاسخ: آنها

۵- ﴿ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴾

ترجمه: و هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

پاسخ: کسانی که

۶- ﴿ وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا ﴾

ترجمه: و سزای بدی ، بدی است؛

پاسخ: مانند آن

۷- ﴿ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ﴾

ترجمه: پس درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست؛

پاسخ: کسی که

۸- ﴿ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴾

ترجمه: زیرا او ستمگران را الشُّورَى ۴۰-۷۰

پاسخ: دوست نمی دارد

مَلْمَعُ حَافِظِ الشِّرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
... من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم. یا ...
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
... آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
... هرکس آزموده را بیازماید پشیمان می‌شود.
پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا
... در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامت هست.
گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
... به خدا عشقی را بدون سرزنش ندیده‌ایم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
... تا جامی از بزرگواری را از آن بچشد.

سَلِّ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْقَلَوَاتِ تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
از آب‌انبارها درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس ... (المصانع آب‌انبارهایی بودند که مزه
گواری نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.)

شبنم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
... و اگر [از من] جدایی‌گزینی (جدا شوی) شب و روزم برابر می‌شود.
اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
... زمان گذشت و دلم می‌گوید قطعاً تو می‌آیی.

من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
... و گاهی چشمه زندگی در تاریکی‌ها جست و جو می‌شود.

فَكَمْ تَمَرَّرَ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهِيدٍ جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی
چه بسیار زندگی‌ام را تلخ می‌کنی در حالی که حامل عسل هستی! ...

نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را
... اگر خاک قبرم (استخوان پوسیده‌ام) را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی
هر بائمی را همان‌گونه که دوست داری و می‌پسندی وصف کردم. ...

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی
از تو می‌ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می‌خواهم و به تو نزدیک می‌شوم. ...

ز چشم دوست فِتاهم به گامه دل دشمن
... یارانم از من جدایی‌گزیدند همان‌طور که دشمنانم می‌خواهند.

فِرَاقِ نَامَةِ سَعْدِي عَجَبٌ كَمَا تَرَى و إِنَّ شَكْوَتِي إِلَى الطَّيْرِ نُحْنٌ فِي الْوُكُنَاتِ
... و اگر به پرندگان شکایت برم در لانه‌هایشان با صدای بلند بگیرند و شیون کنند.

عَيْنَ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ : درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید.

۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِي مَلْمَعَاتٌ جَمِيلَةٌ. غلط

ترجمه : حافظ و سعدی ملامت زیبایی ندارند !

۲- يَرَى حَافِظُ الدُّهْرَ مِنْ هَجْرٍ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ. صحیح

ترجمه : حافظ روزگار را از دوری محبوبش مانند قیامت می بیند .

۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا. غلط

ترجمه : حافظ در دوری محبوبش راحتی و در نزدیک بودن او عذاب می بیند .

۴- يَرَى سَعْدِي اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجْرٍ حَبِيبِهِ. صحیح

ترجمه : سعدی شب و روز را از دوری محبوبش یکسان می بیند.

۵- قَالَ سَعْدِي مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَاتَأْتِي. غلط

ترجمه : سعدی گفته است زمان سپری شد و دم می گوید که تو نمی آیی .

تهیه کننده:

استاد محمد باقر بهر روزی

اخْتَرْتُ نَفْسَكَ : تَرْجِمُ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ .

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	التَّرْجُمَةُ	الْكَلِمَةُ	
✓	---	یاد داده شده	مَعْلَمٌ	يُعَلِّمُ : یاد می دهد
---	✓	دانا ، داننده	عَالِمٌ	يَعْلَمُ : می داند
---	✓	پیشنهاد کننده	مُقْتَرِحٌ	اقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد
✓	---	آماده شده	مَجْهُزٌ	يَجْهِزُ : آماده می کند
✓	---	زده شده	مَضْرُوبٌ	ضَرَبَ : زد
---	✓	یاد گیرنده	مَتَعَلِّمٌ	يَتَعَلَّمُ : یاد می گیرد

یا صَانِعٌ كَلَّمَ مَصْنُوعٌ یا خَالِقٌ كَلَّمَ مَخْلُوقٌ یا رَازِقٌ كَلَّمَ مَرْزُوقٌ یا مَالِكٌ كَلَّمَ مَمْلُوكٌ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

ترجمه : ای سازنده ای هر ساخته شده ای ، ای آفریننده ای هر آفریده شده ای ، ای روزی دهنده ای هر روزی داده شده ای ، ای صاحب هر مال و دارایی .
(فراز هایی از دعای جوشن کبیر)

صَانِعٌ : اسم فاعل : سازنده

خَالِقٌ : اسم فاعل : آفریننده

رَازِقٌ : اسم فاعل : روزی دهنده

مَالِكٌ : اسم فاعل : صاحب

اخْتَرْتُ نَفْسَكَ : تَرْجِمُ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ .

۲- ﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾ : بسیار داننده غیب ها

۴- ﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾ : او بسیار دروغگو است .

۶- اَلطَّيَّارُ الْاِيرَانِيّ : خلبان ایرانی

۸- اَلهَاتِفُ الْجَوَّالُ : تلفن همراه

۱۰- فَتَاحَةُ الرُّجَاةِ : شیشه باز کن

۱- ﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوَةِ﴾ : بسیار امر کننده به بدی

۳- ﴿الْخَلَّائِقُ الْعَلِيمُ﴾ : بسیار خلق کننده دانا

۵- ﴿حَمَّالَةُ الْحَطَبِ﴾ : هیزم کش

۷- ﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾ : برای هر بسیار صبر کننده ای

۹- رَسَامُ الصُّورِ : صورتگر

التمرین الأول : عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ .

۱- اَلْكَاسُ رُجَاةٌ يَشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّايُّ أَوْ الْقَهْوَةُ . غلط

ترجمه : لیوان (جام ، پیاله) شیشه ای است که با آن آب یا چای یا قهوه نوشیده می شود .

۲- يُمْكِنُ شَرَاءُ الشَّرِيحَةِ مِنْ اِدَارَةِ الْاِتِّصَالَاتِ . صحیح

ترجمه : خریدن سیم کارت از اداره مخابرات امکان دارد.

۳- اَلرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْاِمْتِحَانَاتِ . صحیح

ترجمه : مردود کسی است که در امتحانات قبول نشده است .

۴- عُصَوْنُ الشَّجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ . صحیح

ترجمه : شاخه های درختان در بهار بی نظیر و زیبا است .

۵- يَصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ . صحیح

ترجمه : نان از خمیر درست می شود .

فَكه التَّمْرِينُ الثَّانِي : ضَعَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

الْقُلُوبِ / بَعْدِ / وَدَّ / مَصْنَعٍ / بَدَّلَ / فَتَشَّ / اللَّيْلِ / يَرْضَى

٤- فِي لَاتَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.

ترجمه: در بیابان ها گیاهان زیادی رشد (زندگی) می کند .

پاسخ: الْقُلُوبِ

٥- الْأَشْرَاطِي حَقَائِبِ الْمُسَافِرِينَ.

ترجمه: پلیس چمدان های مسافران را جست و جو کرد .

پاسخ: فَتَشَّ

٦ أَخِي قَانِعٌ ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

ترجمه: برادرم قانع است با غذایی اندک راضی می شود .

نهمه گنتوده:
استاد محمد باقر بهر روزی

پاسخ: يَرْضَى

١- الْغَدَاةُ بِدَايَةِ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بِدَايَةِ

ترجمه: بامداد ابتدای روز است و شبانگاه ابتدای شب است .

پاسخ: اللَّيْلِ

٢- رَأَيْنَا الشَّاطِطِينَ عَنْ عَبْرَ الطَّرِيقِ.

ترجمه: ساحل را با فاصله از راه جاده دیدیم .

پاسخ: بَعْدِ

٣- رَجَاءٌ هَذَا الْقَمِيصِ ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

ترجمه: لطفا این پیراهن را عوض کن ؛ زیرا آن کوتاه است .

پاسخ: بَدَّلَ

فَكه التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : تَرَجِّمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ ، وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ.

١- يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ .

ترجمه: ای بسیار داندۀ غیب ها .

پاسخ: عَلَامَ : اسم مبالغه

٢- يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ .

ترجمه: ای بسیار پوشاندۀ عیب ها .

پاسخ: سَتَّارَ : اسم مبالغه

٣- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ .

ترجمه: ای بسیار آمرزنده گناهان .

پاسخ: غَفَّارَ : اسم مبالغه

٤- يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ .

ترجمه: ای بالا برنده درجه ها .

پاسخ: رَافِعَ : اسم فاعل

٥- يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ .

ترجمه: ای شنونده دعا .

پاسخ: سَامِعَ : اسم فاعل

٦- يَا غَافِرَ الْخَطَايَا .

ترجمه: ای آمرزنده خطاها .

پاسخ: غَافِرَ : اسم فاعل

٧- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ .

ترجمه: ای پوشاندۀ هر عیب داری .

پاسخ: سَاتِرَ : اسم فاعل / مَعْيُوبٍ : اسم مفعول

٨- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .

ترجمه: ای کسی که نیکوکاران را دوست می دارد .

پاسخ: الْمُحْسِنِينَ : اسم فاعل

٩- يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ .

ترجمه: ای بهترین ستایشگر و ستایش شده .

پاسخ: حَامِدٍ : اسم فاعل / مَحْمُودٍ : اسم مفعول

١٠- يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ .

ترجمه: ای کسی که درگاهش برای طالبان باز است .

پاسخ: مَفْتُوحٌ : اسم مفعول / الطَّالِبِينَ : اسم فاعل